

قطعه نامه در باره مسئله ملی

و. ا. لنین

هفتمین کنفرانس کشوری (آوریل) حزب کارگر سوسیال دموکرات (بلشویک) روسیه

۲۹-۲۴ آوریل (۱۲-۷ مه) ۱۹۱۷

مالکان و سرمایه‌داران و خرده بورژوازی به منظور حراست از امتیازات طبقاتی خویش و ایجاد افتراق بین کارگران ملیت‌های مختلف از سیاست اعمال ستم ملی که میراث حکومت و رژیم سلطنت است پشتیبانی می‌نمایند. امپریالیسم معاصر که به کوشش خود برای تابع نمودن ملل ضعیف می‌افزاید عامل جدید تشدید ستم ملی است.

اگر بر انداختن ستم ملی در یک جامعه سرمایه‌داری امکان پذیر باشد، این فقط هنگامی است که در کشور نظام جمهوری دموکراتیک پیگیری حکمفرما باشد که بتواند برابری تام و تمام حقوق کلیه ملل و زبان‌ها را تأمین نماید.

باید حق جدایی آزادانه و تشکیل دولت مستقل برای کلیه مللی که جزء روسیه هستند به رسمیت شناخته شود. نفی این حق و خودداری از اتخاذ تدابیری که اجرای آن را عملاً تضمین نماید برابر است با پشتیبانی از سیاست اشغالگری یا الحاق طلبی. فقط در صورتی که پرولتاریا حق جدا شدن ملل را به رسمیت بشناسد همبستگی کامل کارگران ملل گوناگون تأمین گردیده و به نزدیکی واقعاً دموکراتیک ملل کمک خواهد شد.

اختلافی که امروز بین فنلاند و حکومت موقت روسیه پیدا شده است به وضوح خاصی نشان می‌دهد که نفی حق جدایی آزادانه مستقیماً به ادامه سیاست تزاریسم منجر می‌شود.

مسئله حق ملل به جدایی آزادانه را به هیچ وجه نمی‌توان با مسئله صلاح بودن جدایی فلان یا بهمان ملت در فلان یا بهمان لحظه مخلوط نمود. این مسئله را حزب پرولتاریا باید در هر مورد جداگانه‌ای به طور کاملاً مستقل و از نقطه نظر مصالح تمام سیر تکامل اجتماعی و نیز مصالح مبارزه طبقاتی پرولتاریا در راه سوسیالیسم حل کند.

حزب خواستار خود مختاری وسیع منطقه‌ای، الغاء نظارت از طرف مقامات بالا و الغاء زبان اجباری دولتی و نیز خواستار آن است که تعیین حدود مناطق خود مختاری که خود اداره امور را در دست دارند بر این اساس انجام یابد که خود اهالی محل شرایط اقتصادی و معیشتی و ترکیب ملی اهالی و غیره را در نظر گیرند.

حزب پرولتاریا با اصطلاح «خود مختاری فرهنگی ملی»، یعنی خارج ساختن اداره امور مدارس و غیره از صلاحیت دولت و واگذاری آن به اختیار مجلس ملی را جداً رد می‌کند. خود مختاری فرهنگی ملی کارگرانی را که در یک محل زندگی و حتی در بنگاه‌های واحدی کار می‌کنند، بنابر تعلق آنها به فلان یا بهمان «فرهنگ ملی» به طور مصنوعی از یکدیگر جدا می‌نماید، یعنی ارتباط کارگران را با فرهنگ بورژوازی ملت‌های آنان تقویت می‌کند و حال آنکه وظیفه سوسیال دموکراسی این است که فرهنگ بین المللی پرولتاریای تمام جهان را تقویت کند.

حزب خواهان آن است که در قانون اساسی اعلام گردد که هر گونه امتیازی متعلق به هر ملتی که باشد و هر گونه تخطی نسبت به حقوق اقلیت‌های ملی بلا اعتبار است.

منافع طبقه کارگر ایجاب می‌کند کارگران کلیه ملیت‌های روسیه سازمان‌های پرولتری واحدی داشته باشند: اعم از سیاسی، اتحادیه کارگری، مؤسسات آموزشی کئوپراتیوی (همکاری) و غیره با یکدیگر متحد گردند. فقط یک چنین در آمیختگی کارگران ملیت‌های گوناگون در سازمان‌های واحد است که به پرولتاریا امکان می‌دهد علیه سرمایه بین‌المللی و ناسیونالیسم بورژوایی پیروزمندانه مبارزه نماید.